

## برای چاپ سوم

مارکس توفیق نیافت که چاپ سوم این کتاب را خود برای طبع آماده نماید. دانشمند مقتدری که اکنون در برابر عظمتش حتی مخالفین وی سر تکریم فرود می آورند در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ درگذشت.

اکنون که با مرگ او دوست چهل ساله، بهترین و وفادارترین دوست خود را، دوستی که به گردن من بیش از آن چه بتوان به زبان آورد منت دارد، از دست داده ام، وظیفه دارم که به انتشار طبع سوم این کتاب و هم چنین جلد دوم آن که خطی باقی مانده است پردازم. بر عهده من است که چگونگی اجرای قسمت اول این وظیفه را بخواننده عرضه دارم.

مارکس بدو در نظر داشت قسمت بزرگی از متن جلد اول را اصلاح کند و برخی نکات تئوریک را با دقت بیشتری انشاء نموده مطالب تازه ای به آن ها بیفزاید و شواهد تاریخی و آماری را تا دوره معاصر تکمیل نماید. ولی مزاج بیمار او و میل وافرش به نگارش قطعی جلد دوم وی را از این فکر منصرف نمود. بنابر این تنها آن چه ضروری تر بود تغییر یافت و فقط مطالبی که در این فاصله در چاپ فرانسه کتاب (۱۸۷۳، Paris, La Châtre, "Le capital par Karl Marx",) آمده بود الحاق گردید. و نیز در بین نوشتجاتی که از خود باقی گذارده است نسخه ای به زبان آلمانی به دست آمد که خود بعضی قسمت های آن را تصحیح کرده و به چاپ فرانسه مراجعه داده بود و هم چنین نسخه دیگری به زبان فرانسه یافت شد که با دقت تمام جاهانی را که باید مورد استفاده قرار گیرد نشان کرده است.

این تغییرات و اضافات به استثناء چند مورد، مربوط به قسمت آخر کتاب یعنی بخش مربوط به پروسه انباشت سرمایه است. در این قسمت متن موجود بیش از بخش های دیگر با طرح اولیه کتاب تطبیق می کرد در صورتی که به قسمت های پیش از آن عمیق تر دست برده شده بود. از این جهت سبک نگارش زنده تر، یک تیغ تر ولی در عین حال کم مراقبت تر و مخلوط با طرز بیان خاص انگلیسی است و در پاره ای موارد ناروشن و تاریک است. بیان و تشریح مطالب گاه از این نظر نقص داشت که فقط به ذکر نکات مهمه اکتفا شده بود.

اما راجع به سبک نگارش مارکس خود در چندین بخش از کتاب تجدید نظر اساسی کرده بود و بدین وسیله علاوه بر تذکرات شفاهی مکرر خود، معیاری به دست من داد که بدانم تا چه اندازه در حذف اصطلاحات فنی انگلیسی و انگلیسی مآبی\* های دیگر مجاز هستم.

در هر حال مارکس قطعاً خود در این ملحقات و اصلاحات دست می برد و به جای فرانسه روانی که به کار برده شده، آلمانی کوتاه و فشرده مخصوص به خود را می گذاشت. من ناگزیر بودم به ترجمه آن ها اکتفا کنم تا حدی که امکان داشت به متن اصلی وفادار بمانم.

بنابر این در این چاپ سوم کلمه ای را تغییر نداده ام مگر با اطمینان به این نکته که اگر منصف زنده بود خود مبادرت به آن تغییر می نمود.

البته ممکن نبود به فکر من خطور کند که زبان ویژه متداول بین اقتصاديون آلمانی، یعنی این لسان نادرست و عجیبی که مثلاً به آن که در مقابل پول نقد دیگری را وادار به تسلیم کار خود می کند دارد. (Arbeitgeber) و به کسی که کارش در مقابل مزد گرفته شده است کارستان (Arbeitnehmer) نام می دهد، در کتاب سرمایه وارد کنم. در زبان فرانسه نیز لغت (travail) (کار) در زندگی معمولی به معنای اشتغال استعمال می شود ولی اگر یک نفر اقتصاددان، سرمایه دار را کار دهنده

(donneur de travail) و کارگر را کار گیرنده (receveur de travail) بنامد، فرانسویان او را حقا دیوانه خواهند خواند. هم چنین من به خود اجازه نداده ام پول، اندازه ها و اوزان انگلیسی را که در این کتاب زیاد استعمال شده است به معادل جدید آلمانی آن ها تبدیل کنم. وقتی چاپ اول انتشار یافت در آلمان به اندازه ی روزهای سال انواع سنگ و اندازه وجود داشت و به علاوه دو قسم مارک در جریان بود (یکی از آن ها رایش مارک است که فقط در دماغ زوتبر\* که آن را تقریباً در پایان سال های سی اختراع کرده بود رواج داشت)، دو نوع گولدن\*\* و لاقل سه قسم تالر\*\*\* که واحد یکی از آن ها (دو تلتی جدید بود)\*\*\*\* جریان داشت.

در علوم طبیعی اصول متری به کار می رفت و در بازار جهانی سنگ و اندازه های انگلیسی حکومت می کرد. در این حال استعمال واحدهای مقیاس انگلیسی در کتابی که ناچار شواهد خود را تا حدی منحصرأ از وضع صنعتی انگلستان اقتباس می نمود امری طبیعی به شمار می رفت.

این جهت اخیر حتی برای امروز صحیح است مخصوصاً از این لحاظ که اوضاع مورد بحث در بازار جهانی بسیار کم تغییر یافته است و درباره ی صنایع مهمی مثل آهن و پنبه اوزان و مقادیر انگلیسی هنوز تقریباً به طور اخص متداول هستند.

در خاتمه یک کلمه هم درباره ی طریقه ای که مارکس در مورد نقل مورد از مصنفین دیگر به کار برده و کم درک شده است بگوئیم. هنگامی که نقل قول راجع به واقعیات یا توصیف آن هاست طبقاً قسمت هائی که ذکر می شود، مثل آن چه که از کتب آبی انگلیسی نقل شده، تنها به منظور رجوع به آن مطالب است. ولی وقتی نظریات اقتصادپون دیگر آورده می شود موضوع طور دیگر است. در این گونه موارد غرض از نقل قول اثبات این نکته است که یک نظریه معین اقتصادی در طی جریان

\* - Soetbeer, Georg Adolf (۱۸۹۲ - ۱۸۱۴) اقتصاددان و آمارگر آلمانی.

\*\* - Florin یا Gulden

\*\*\* - Taler

\*\*\*\* - neue Zweidrittel

تحول کجا، کی و از طرف کی برای بار اول بیان شده است. تنها پیزی که در این حال مورد توجه واقع شده این است که نظریه اقتصادی مذکور از لحاظ تاریخ علم دارای اهمیت بوده و بیان نظری کمابیش متناسبی از اوضاع اقتصادی زمان باشد. اما این که آیا فکر مزبور هنوز برای نظریات مصنف این کتاب دارای ارزش مطلق یا نسبی هست و یا این که اصلاً در قلمرو تاریخ وارد شده است به هیچ وجه اهمیت ندارد.

بنابر این نقل قول هانی از این قبیل تفسیر عادیست که از تاریخ علم اقتصاد برای توضیح متن اقتباس گردیده است و بر طبق تاریخ و نویسنده آن پیشرفت های مختلفه تنوری اقتصادی و مهم ترین آن ها را بیان می کند. و این عمل به خصوص در باره ی علمی که مورخین آن تا امروز جز به وسیله نادانی آلوده به اغراض و تا اندازه ای جاه طلبی از یکدیگر تمیز داده نمی شوند لازم بود. بنابر این به خوبی فهمیده می شود چرا مارکس همان طور که در دیباچه طبع دوم نوشته است فقط بر سبیل استثناء از اقتصاديون آلمانی چیزی نقل کرده است. احتمالاً ممکن است جلد دوم در عرض سال ۱۸۸۴ انتشار یابد.

### فریدریش انگلس

لندن- ۷ نوامبر ۱۸۸۳